Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

تاریخ دریافت مقاله: ۹٤/۱۰/۲٦
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۵/۵

تجلی نمادین اعداد در فرش دستباف

محمدرضا شاهپروری (نویسنده مسئول)
دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه شاهد
E-mail: mrshahparvari@yahoo.com
سید جلال‌الدین بصام
استادیار مؤسسهٔ آموزش عالی علمی کاربردی و مهارتی جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات ، آموزش و ترویج کشاورزی

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵
۵

چکیده
فرش از جمله هنرهای ایرانی است که در تعاملی بی‌واسطه با طراحان و بافندگان شکل می‌گیرد و از این رو به پرده‌ای تصویری برای ابراز عقاید و افکار آنان بدل می‌شود. این ابراز عقاید سراسر از ذهن هنرمند متأثر از فرهنگ، رسوم و آموزه‌های دینی حاکم بر جامعه نشئت می‌گیرد و در قالب آرایه‌ها و طرح‌های گوناگون خلق و بر تارک فرش نقش می‌بندد. بدین سبب موضوعات گوناگونی با بیانی نمادین در فرش جای گرفته است که هر یک بر مفاهیم فرهنگی و آیینی دلالت دارد. در این میان اعداد از موضوعاتی است که ریشه‌ای ژرف در فرهنگ این مرز و بوم دارد و به دو قسم کمی و کیفی تقسیم می‌شده است. سویه کیفی یا به عبارت دیگر بُعد نمادین و معنادار اعداد از دیرباز مورد توجه بوده است و کاربرد اعدادگونه در هنرهای این سرزمین را می‌توان نشانه‌ای از جایگاه والای سویهٔ نمادین اعداد طی ادوار گوناگون به شمار آورد. این مقاله با رویکرد بررسی جایگاه و کاربرد نمادین اعداد در فرش به روش توصیفی تحلیل محتوا و شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است. نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اعدادی همانند یک، سه، چهار، پنج، شش، هفت و هشت در آرایه‌ها و طرح‌های گوناگون فرش با بیانی نمادین قابل مشاهده است. این کاربرد اغلب به گونه‌ای است که سامان‌بندی نگاره‌ها و طرح‌ها بر پایهٔ مفاهیم نمادین اعداد شکل گرفته و با معنای نمادین اعداد مذکور صادق است. افزون بر این مشاهده می‌شود که برخی از نقوش یا طرح‌های فرش بر مبنای قالب عددی‌شان نام‌گذاری شده‌اند، بدین ترتیب این امر باعث تشدید جایگاه اعداد در فرش و موجب انتقال مفاهیم نمادین این اعداد می‌شود که به شکل عمدی یا غیرعمدی خلق و در فرش به کار گرفته شده است. این نقوش توسط هنرمندان طراح یا بافنده به کار گرفته شده که آموزه‌های آیینی و فرهنگی جامعه بر آنان تأثیر گذارده و این عامل سبب خلق نقوشی بر پایهٔ این الهام شده است.

واژه‌های کلیدی: اعداد، نماد، فرش ایران، طرح، نقش.

Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

مقدمه

فرش ایرانی دربردارندۀ نقوش متنوعی است که هر یک به مفاهیم بی‌شماری همانند بهشت، جاودانگی، الوهیت و ... اشاره دارد. در شکل‌گیری این نقوش عوامل فرهنگی و آموزه‌های آیینی نه تنها بی‌تأثیر نبوده، بلکه نقشی اساسی و محوری بر عهده داشته است. طرح‌ها و نقوشی که علاوه بر بیانی نمادین از ظاهری منظم برخوردار است و پرورندۀ انتظام و هماهنگی به شمار می‌آید از طریق کاربرد ابزاری نظیر عدد، هندسه و رنگ به محیط حواس درمی‌آید (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱، ۷۰).

اعداد از جمله ابزار رایجی است که در فرش جایگاه قابل توجهی دارد و در ایجاد انتظام، هندسه و جلوه‌نمایی هر چه جذاب‌تر این هنر اصیل ایرانی نقش بسزایی ایفا می‌کند. اعداد از دیرباز از سویه کمی و کیفی برخوردار بوده که کاربرد کمی آن در علومی همانند ریاضی، هندسه و نجوم و بُعد کیفی آن با انتقال مفاهیم نهانی، که در پس هر عدد نهفته است، متجلی می‌شود. در مباحث عرفانی دو بعد عدد مکمل یکدیگر معرفی شده است و سویه کمی اعداد عامل چنین ایجاد کثرت در دنیای خاکی و سویه کیفی آن عامل وصال این کثرت به وحدت خوانده می‌شود (نصر، ۱۳۴۲: ٦٦) که از طریق تأویل و تعبیر هر دو سویه اعداد می‌توان به درگاه حضرت حق دست یافت.

برخورداری اعداد از سویه‌ای نمادین، سبب تقدس و کاربرد معنادار آن از دیرباز تا کنون در ادیان، فرهنگ و افکار جامعه شده است. این جایگاه والا سبب شده تا در برخی ادوار چنین پنداشته شود که شناخت علم اعداد منحصراً در سیطرۀ افراد مقرب آفریدگار نظیر پیر و راهنما در ادیان ابتدایی و انبیاء الهی در فرهنگ اسلامی است (خزایی، ۱۳۸۸: ٤٣). بدین سبب این علم در زمرۀ علوم غریبه شناخته می‌شود و تسلط بر آن امری محال به نظر می‌رسد.

این مقوله عموماً به شکل ضمیری ناخودآگاه در لایه‌های گوناگون جامعه رخنه کرده و باعث شده تا هنرمندان بسیاری در عرصه‌های هنری متفاوت همانند نقاشی ایرانی، معماری و معرق به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از ابعاد نمادین اعداد سود جویند.

در این میان فرش از جمله هنرهای اصیل ایرانی است که بیان نمادین بی‌انتهایی دارد و از کاربرد کمی اعداد در ایجاد انتظام، هماهنگی و هندسه و از سویه کیفی اعداد در انتقال مفاهیم فرهنگی و آموزه‌های آیینی در نمایش نقوش بی‌مانندی در قالب تار و پود بهره گرفته است.

تاکنون تحقیقاتی دربارۀ کاربرد کمی و هندسی اعداد در فرش انجام گرفته که در آن نحوۀ سامان‌بندی آرایه‌ها و طرح‌ها بر مبنای ریاضی بررسی شده گرفته است. از سویی دیگر دربارۀ کاربرد کیفی اعداد، که مورد توجه این پژوهش است، تحقیقات متعددی همانند راز و رمز اعداد در تزیین مساجد (خمسه و طاووسی، ۱۳۸۸، ۸۹)، مفاهیم و بیان عددی در هنر گره‌چینی صفوی (کیانمهر و خزائی، ۱۳۸۵، ۲٦)، بررسی نقش کمی و کیفی اعداد در معماری اسلامی (بمانیان و صفایی‌پور، ۱۳۹۱، ۱۲) و اهمیت عدد سه با نگاهی به دیوان خاقانی (شفق و نیازی وحدت، ۱۳۸۸، ۷۱) ارائه گردیده است. نتایج این پژوهش‌ها حکایت از کاربرد نمادین و معنادار اعداد گوناگون در هنرهای متفاوت دارد. اما علی‌رغم انجام چنین پژوهش‌هایی، تاکنون تحقیقی در راستای کاربرد کیفی و نمادین اعداد در فرش ایرانی انجام نگرفته است.

از این رو، پژوهش حاضر با محوریت کاربرد نمادین اعداد سعی در پاسخگویی به این سؤال دارد که کدام اعداد در قالب نقش‌مایه‌های فرش ایرانی ظهور یافته است؟ و آیا معانی نمادین این اعداد به واقع در فرش رسوخ کرده است؟

در مقالۀ پیش رو سعی بر آن است تا پاسخی

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

درخور به سؤال‌های فوق داده شود. بدین سبب ابتدا جایگاه اعداد در ادوار گوناگون بررسی می‌شود. سپس آرایه‌ها و طرح‌های مبتنی بر اعداد در فرش و مفاهیم عمومی این اعداد با تکیه بر پیشینهٔ تاریخی و مفاهیم آیینی و عرفانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

جایگاه اعداد در گذر زمان

اعداد در معنای لغوی مجموعه نام‌هایی است برای شمارش و اندازه‌گیری اجسام تعریف شده است (جعفری نائینی، ۱۳۸۵، ۳۷۰). همچنین عدد را می‌توان یکی از پایه‌های علم ریاضی دانست که به مدد آن هر شیء مورد محاسبه و شمارش قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که معین در فرهنگ‌نامهٔ خویش عدد را معادل شماره و به معنای شمردن اشیاء مطرح کرده است (معین، ۱۳۷۱، ۱۱۶۳).

اما اعداد صرفاً در انحصار سویه ریاضی و شمارشی نیست و از ابتدا به دو بخش کمی و کیفی تقسیم می‌شود. کاربرد کمی اعداد در علوم شمارشی به منظور اندازه‌گیری معنا می‌یابد و سویه کیفی آن همراه با تقدس و احترام در تعاملات فرهنگی و سنن جامعه تجلی می‌یابد. این دو سویه با یکدیگر در ارتباط‌اند. به طوری که حتی ممکن است زمانی که اعداد برای شمارش و یا مقاصد علمی به کار می‌روند دارای مفاهیم یا اشاره‌گر غیرمستقیم عناصر اسطوره‌ای باشد (یونگ، ۱۳۷۷، ۳٦۷)، از این رو دو وجه کمی و کیفی اعداد توأمان همراه یکدیگر هستند. اما علی‌رغم این همراهی در برخی از ادوار سویه‌ای بر وجه دیگر تقدم و مستولی می‌یابد. به عنوان نمونه در دورهٔ پیش از تاریخ به سبب وجود اعتقادات جادویی و توسل به نیروهای فرازمینی، اعداد از قالبی مقدس برخوردار بودند و برایشان قدرت‌های جادویی قائل می‌شده‌اند. بدین دلیل در این دوره و ادوار مشابه با آن، که کاربرد کمی اعداد نیز رایج بوده، سویه کیفی اعداد بر بُعد کمی آن قالب بوده است. به عبارت دیگر می‌توان اظهار داشت که اعداد کمی مرتبهٔ تنزل یافته از اعداد کیفی بوده‌اند و اعداد کیفی حامل معانی والایی هستند که در هر دو حوزه مراتب حقیقت متجلی می‌شود (بمانیان و صفایی‌پور، ۱۳۹۱، ۱۳). در برخی از ادوار این تفکر چنین استوار است که عددها نسبتی بین جهان انسانی و عالم هستی برقرار می‌کند (رامین و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۷۷).

در این میان فلاسفهٔ بزرگی همانند افلاطون و ارسطو، که بر عرفای اسلامی نیز تأثیر بسزایی داشته‌اند، جایگاه والایی را به اعداد اختصاص داده‌اند. به گونه‌ای که این دو فیلسوف عدد را اساسی‌ترین و مطلوب‌ترین زبان فلسفه به شمار آورده‌اند که بسیاری از حقایق جهان خاکی در جهان محسوس از آن‌ها نشئت می‌گیرد (کاپلستون، ۱۳٦۸، ۳٦).

ریشهٔ توجه به سویه نمادین اعداد به زمان پیش از تاریخ و دوران نوسنگی بازمی‌گردد، زیرا در این عصر اعتقاد به قدرت‌های جادویی اعداد و همچنین تعبیرات خاص عددی نظیر هفت آسمان و چهار جهت اصلی وجود داشته و این امر موجب شکل‌گیری جایگاهی ویژه برای اعداد شده است (سرلو، ۱۳۸۹، ۲۰). به عبارت دیگر، ارزش قائل شدن قدرت جادویی برای اعداد، مدیون عقاید انسان ابتدایی است که در پی ناتوانی خویش در مقابل تهدیدات طبیعی و محیطی خویش دست به گریبان قدرت‌های جادویی شد تا بدین شکل بتواند از خویش محافظت کند. بنابراین در این عصر اعداد، که معیار شمارشی هستند، به حوزهٔ فرهنگ و رسوم جامعه وارد و معیاری از نحسی یا طالع و بخت واقع می‌شود (ممتحن و خزاعی، ۱۳۹۰، ۱٦٦). از این رو برخی اعداد جایگاهی به مراتب پرجلوه‌تر از سایر اعداد در قالب معانی نمادین دارند که در صور و اشکال گوناگون همانند اساطیر، آموزه‌های آیینی و فرهنگی تجلی می‌یابد. در نهایت این امر سبب می‌شود

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

تا اعداد همانند سایر مظاهر، رمز قداست و نمادی قدسی تلقی و با تأویل هر یک از آنان راهی به رمزهای جاودانه گشوده شود (زمردی، ۱۳۷۹، ۲۷۳).

وجه نمادین اعداد در ادیان پیش از اسلام نیز مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. چنان که در زرتشیت، که از ادیان جامع و فراگیر پیش از اسلام در ایران است، کاربرد نمادین اعداد در انتقال مفاهیم آیینی و مقدس نقش داشته است. به عنوان نمونه در این دین اهورامزدا خالق جهان یکی است. وی نخست یک انسان را خلق و سپس یک گاو را برای تغذیهٔ آدمی آفریده است (کریستین سن، ۱۳۷۰، ۳۷). بدین سبب در این فرهنگ عدد یک نمادی مقدس و تداعی‌گر اهورامزدا و اقتدار وی به شمار می‌آمد. در سایر ادیان پیش از اسلام همانند مانویت و مهرپرستی چنین دیدگاهی حاکم بوده و کاربرد نمادین اعداد در گسترهٔ بسیاری از مفاهیم آیینی و مقدس تجلی یافته است.

اما بُعد نمادین اعداد تنها مختص به این ادیان نیست و این کاربرد در جهان اسطوره با کمی تأمل قابل مشاهده است. عدد در کنار فضا و زمان سومین مضمون عظیمی است که بر ساختار جهان اسطوره حاکم است. در این جهان عدد واسطه‌ای برای معنوی و روحانی جلوه دادن اساطیر به شمار می‌آمده است و اعداد توسط هاله‌ای از نیروی جادویی محاط شده است که این نیرو به هر چیزی که با آن در ارتباط است انتقال می‌یابد (کاسیرر، ۱۳۷۸، ۲۲۶ و ۲۳۱).

با ظهور اسلام در این کشور برخی از عقاید پیشین بر اثر ورود قواعد و دستورات دین نوظهور حذف و برخی دیگر با تغییراتی تدریجی در فرهنگ، افکار و عقاید عموم جاری شد. کاربرد نمادین اعداد در دورهٔ اسلامی افزون بر کاربرد شمارشی، با تغییراتی تدریجی در مفاهیم نمادین همچنان بُعد کیفی آن مورد احترام و کاربرد قرار گرفت. چنان که در آیه‌ای از کتاب مقدس اسلام، یعنی قرآن کریم، خلق هر چیز بر مبنای عدد آورده شده است[1]. در این دین عدد محدود به کمیت نیست، بلکه مظهری از وحدت است که هیچ گاه از مبدأ خود جدا نمی‌شود و هر گاه با موجود در عالم کثرت مطابقت می‌یابد آن را از طریق تمثیل و تأویل به وحدت، که منشأ هستی است، بازمی‌گرداند (نصر، ۱۳۴۲، ٦٦).

تصویر ۱. حضور یک نگارهٔ درخت در طرح درختی محرابی، قالی راور کرمان (منبع: نگارندگان)

در دورهٔ اسلامی، فارابی با تأثیرگذاری بر نویسندگان و دانشمندان پس از خود باعث شد تا در اواخر قرن چهارم هجری علم ریاضی به شکلی رسمی به دو بخش علمی و نظری تقسیم شود. از این رو اخوان‌الصفا،[2] که از علمای دورهٔ اسلامی پس از وی است، دو بخش کاملاً متمایز برای علم اعداد قائل شده

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

است و بخش عملی آن را لازمهٔ افزایش مهارت در هر حرفه و بخش نظری اعداد را باب ورود به مدارج بالاتر معنوی و مابعدالطبیعه می‌دانسته‌اند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ۱۸۱). این فرقه، که در برخی از قواعد متأثر از فیثاغورسیان بوده است، عدد را مفتاح اسرار جهان و هادی انسان در معرفت عالم هستی می‌دانسته و آن را پیونددهندهٔ کثرت در وحدت و اولین فیض عقل بر نفس بیان کرده‌اند (نصر، ۱۳٤۲، ۷٦). همچنین دانشمندان دیگری نظیر جابربن حیان اعداد را پایهٔ علم میزان قرار داده و همانند فیثاغورسیان جنبهٔ کمی و کیفی برای اعداد قائل شده است و چنین پنداشته که اصل میزان و دلیل وجود اعداد سنجش میل نفس عالمی است که با همهٔ اجسام آمیخته است (همان، ٦٨).

بیان نمادین و مفهومی اعداد، همان‌طور که در ادیان و عرفان انعکاس یافته است، در اشعار ادیبانی همانند خاقانی، خیام و انوری قابل ملاحظه است. در اشعار این قبیل از شاعران، اعداد عموماً افزون بر سویه کمی و شمارشی، از مفاهیم نمادین برخوردار است که سبب تعالی و غنای معنایی هر چه بیشتر این ابیات شده است (شفق و نیازی وحدت، ۱۳۸۸، ۸٤). همچنین جامی، از ادبای ایرانی، با تمثیل احد و عدد تلاشی در ارتباط میان حق و خلق ارائه می‌دهد و آن را چنین تبیین می‌دارد که حق واحدترین عدد است که از تکرار، ظهور و بروز دیگر اعداد سایر مخلوقات حاصل می‌آیند (داوودی‌پور و دادبه، ۱۳۹۱، ۱٤۲).

کاربرد عدد علاوه بر ادبیات، در هنرهای گوناگون همانند معماری و نگارگری نیز قابل مشاهده است. بُعد مفهومی اعداد در هنرهای تصویری عموماً بر پایهٔ اعتقادات هنرمندان رسوخ می‌یابد و خلق چنین آثاری به نوعی نمایش تجلی الهی و عقل اول در آفرینش بدیل می‌شود. به عبارتی دیگر هنرمندان با به کارگیری اعداد در آثارشان سعی در انتقال مفاهیم خاصی می‌نمایند که عموماً این مفاهیم از تمثیلات عرفانی برخوردار است و بدین سبب این آثار در حکم تجلی‌گاه مفاهیم مستتر و تمثیلی عرفانی به شمار می‌آید (استیرلن، ۱۳۷۷، ۸۰).

با توجه با آنچه تاکنون آورده شد، اعداد از دیرباز جایگاهی پر نقش و نگار داشته‌اند که علاوه بر کاربرد کمی و شمارشی از بُعد نمادین نیز برخوردارند که کاربردی کثیری در فرهنگ جامعه دارد. در شکل‌گیری، تبیین و انتقال مفاهیم مستتر اعداد عوامل متعددی دخیل است که از اصلی‌ترین این عوامل می‌توان به تأثیرگذاری عوامل فرهنگی و آموزه‌های آیینی اشاره داشت.

حضور اعداد در فرش

نقوش موجود در فرش ایرانی علاوه بر ارزش زیبایی‌شناسی، از مفاهیم و بار معنایی نیز برخوردار است. از این رو هر یک از این نقوش در فرش در حکم نمادی است که نماینده شیء یا مفهومی در زندگی و فرهنگ جامعه به شمار می‌آید و به بیش از یک معنی آشکار و مستقیم ظاهر خود دلالت دارد (ریس، ۱۳۸۷، ۱۱٤). این معنای نهان در پس هر نقش ملهم از عقاید بافنده‌ای است که موضوعات فرهنگی و آموزه‌های آیینی تأثیر بسزایی بر وی دارد. از این رو هر نقش در حکم نمادی است که، به نوعی، جهان‌بینی و نگرش فردی هنرمند طراح یا بافنده را به ورطهٔ نمایش می‌گذارد (دریایی، ۱۳۸٦، ۷۱).

این نمادها از تنوع گسترده‌ای برخوردارند و بر اساس فرم به پنج گروه کلی شکل جانداران (انسانی، حیوانی، نباتی)، شکل بی‌جان‌ها (طبیعی، مصنوعی)، شکل نگاشتاری (با ابعاد تجسمی، حروف و اعداد)، شکل خیالی (عرفانی، غیرعرفانی) و شکل تلفیقی (تلفیقی از دو شکل، سه شکل یا چهار شکل) تقسیم می‌شود (چیت‌سازیان، ۱۳۸۵، ٤۹).

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

در این تقسیم‌بندی اعداد به صورت فرمی و عینی در گروه اشـــکال نگاشـــتاری فرش جای می‌گیرد. اما علاوه بر بُعد ظاهری و نگاشـــتاری، اعداد در فرش به سبب پیوند نزدیک با فرهنگ و سنت گوناگون جامعه، حامـــل معانی و مفاهیم گوناگونی اســـت که به گونهٔ دیگر با ورود به عالم هندســـه خود را به عالم اشکال وارد می‌کند و بدین طریق کیفیت مستتر اعداد در قالب اشـــکال گوناگون در فرش ظهـــور می‌یابند (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱، ۵۱). شکل‌گیری نقوش گوناگون آن هم بر پایهٔ اعداد به تمامی از اعتقاد و عقاید هنرمند طراح یا بافنده نشئت گرفته اســـت که با محیط پیرامونشان و همچنیـــن عوامل فرهنگی و آموزه‌های آیینی جامعه هماهنگ است (کیانمهر و خزایی، ۱۳۸۵، ۲۷).

فـــرش از کاربرد کمی اعداد نیز بهرهٔ بســـیار برده است. چنان که سویهٔ شمارشی و ریاضی اعداد نقشی بسزا در سامان‌بندی، ایجاد انتظام و هماهنگی ظاهری فرش ایفا می‌کند. اما از آن‌جایی که فرش از نمادهای گوناگون و متنوعی برخوردار است، کاربرد کیفی اعداد در ظاهر فرش نیز، که از سویه معنایی برخوردار است، امری محتمل اســـت که در قالـــب نقوش گوناگون به دست هنرمند طراح یا بافنده‌ای ابداع شده است. حال آن‌کـــه در برخی از موارد، بدون آن‌کـــه از مفاهیم آن اطلاعی داشته باشند، نقوش مبتنی بر این اعداد را خلق و بر تار و پود فرش می‌نشانند.

رسوخ کیفی اعداد در فرش کم نیست و با اندکی تأمل در نقاط گوناگون فرش قابل مشـــاهده است که علی‌رغم جلوهٔ ظاهری فـــرش وجه نمادین و معنادار یافته و گاه در حکم تمثیلی عرفانی به شمار می‌آید.

تصویر ۲. کاربرد عناصر یگانه ترنج و قندیل در قالی محرابی، قالی کاشان (منبع: بصام و همکاران الف، ۱۳۸۳، ۴۹ و همکاران)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

اعداد موجود در فرش

چنان‌که پیش‌تر آورده شـد، اعداد به سـبب حضور در اعتقادات، فرهنگ و سـنن جامعه در قالب اشکال و نقوش هندسـی بـروز یافته اسـت و در هنرهای گوناگون قابل مشـاهده است. شـکل‌گیری اعداد در نقوش از ذهن هنرمندی نشـئت می‌گیرد که سعی در انتقال مفاهیم ذهنی و عقاید خود از زندگی خویش بر جامعه داشته است. در میان این انتقال گاه مبنای عددی آرایه‌ها به شکلی عمدی توسـط هنرمند آگاه به کار گرفته می‌شود. اما در سال‌های اخیر کاربرد بسیاری از این نقوش توسط هنرمندان جنبه‌ای تزئینی یافته است. از این رو کاربرد چنین نقوشی در فرش ایرانی صرفاً به کپی از نقوش برای مزیـن کردن رخ فرش تبدیل می‌شود که این عامل سبب کاهش بار معنایی فرش در سال‌های اخیر شده است. اما علی‌رغم کاربرد تزئینی در سـال‌های اخیر باید به خاطر سپر که فرش ایرانی از بیـان نمادین گسـترده‌ای ورای پیچ و تاب نقوش برخوردار است و اعداد گوناگونی را در قالب نقوش متفاوت در خویش گنجانیده است. از این رو در ادامهٔ این مقاله اعـداد کاربردی در فرش ایرانی با تأکید بر پیشینه و مفاهیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• یک

رایج‌ترین و آشـکارترین جایگاه تجلی این عدد در فرش ایرانی ترنج است که در فرش‌های لچک و ترنج و گاه بـدون حضور لچک و تنهـا ترنج به صورت عنصری یگانه در فرش حضور می‌یابد. ترنج در فرش عمومـاً عنصری واحد اسـت و در مرکز فرش قرار می‌گیرد. این آرایـه در فرش ایرانی جایگاه و معنایی نمادین دارد و بر مفاهیمـی چون کثرت در وحدت اشاره دارد. قرارگیری این عنصر در نقطه و مرکز فرش دستباف سبب تشـدید معنای نمادینی چون وحدت، منشـأ عالم و خالق می‌شود. از این رو قدسی‌ترین و انتزاعی‌ترین نقطه در فرش دسـتباف ایرانی به شمار می‌آید (میرزاامینی و بصام، ۱۳۹۰، ۲۶ و ۲۷).

تصویر ۳. فرش سه‌ترنجی فارس (منبع: بصام و همکاران ب، ۱۳۸۳، ۱۹۸)

با بررسـی مفاهیم عدد یک و تطبیق آن با معانی نمادین ترنج در فرش ایرانی می‌توان اظهار داشت که این دو عنصر از معنای نمادین واحدی برخوردارند و دلیـل حضور ترنج در فرش را می‌توان تطبیق و واحد بودن مفهوم نمادین این دو با یکدیگر دانست.

عدد یک در معانی نمادین بر وحدت آغازین، ذات، مرکز و اصل اشـاره دارد که ثنویت از آن برمی‌خیزد (کوپـر، ۱۳۸۶، ۲۳). این عدد در فرهنگ اسـلامی به سـبب واحد بودن تداعی‌گر وحدت اسـت و به این دلیل در مباحث اسلامی عموماً عدد یک نمادی از مبدأ به شمار می‌آید و به خالق باری تعالی اشاره دارد. این عدد در علم هندسـه با نقطه نشان داده می‌شود که از

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

نظر فیثاغورسیان و متفکرانِ تحت تأثیر او این عدد و نقطه نشان آغاز و منشأ تمام چیز است (شیمل، ۱۳۸۸، ۵۳)؛ لـذا با توجه به مفاهیم نمادین عدد یک و صدق هندسی این عدد، یعنی یک، و جایگاه قرارگیری عنصر ترنج در فرش، که به صورت نقطه است، می‌توان آرایهٔ ترنـج در فرش را نمایندهٔ ضمنـی عدد یک در فرش به شـمار آورد که در عین حال از معنای مشترکی نیز برخوردار است.

• سه

از جملـه اعداد پرکاربرد و پرنفوذ در نگاره‌های رایج در فرش عدد سـه است. رایج‌ترین قالب هندسی این عدد نگاره‌های مثلثی‌شـکل است که در دستبافته‌های عشایری و فرش‌های هندسی نیز قابل مشاهده است. پیرامـون این نقش‌مایـه برخی از محققـان همانند حصـوری (۱۳۸۹، ۱۲) معتقدنـد که وجـود دورهٔ مادرسـالاری و ارتقای جایگاه زن به سـبب وجود مهم‌ترین دغدغهٔ بشـری، یعنی ابقاء نسـل، در این دوران موجب خلق نگاره‌های بسـیاری همانند نقش مثلثی‌شکل شده است. از این رو نقش‌مایهٔ مثلثی‌شکل به دوران نخستین بافندگی تعلق دارد.

علاوه بر این نقش‌مایه، بسیاری از نگاره‌های دیگر بر مبنای عدد سـه خلق شده و در فرش مورد استفاده قـرار گرفته اسـت. از جملهٔ این نقـوش می‌توان به غنچه، بند اسلیمی و گل سه‌پر اشاره داشت که علاوه بر ظاهر تزئینی، تداعی‌گر قالب هندسـی مثلث است که این قالب صور هندسـی عدد سه به شمار می‌آید. همچنین نگارهٔ دیگری موسوم به درخت سه‌شاخه نیز در فرش‌های فارس دیده می‌شود که قدمت کاربرد آن به نیمهٔ سـوم هزارهٔ تمدن بازمی‌گردد و مبین مفاهیم اساطیری آسـمان، افلاک و حرکات سه‌گانهٔ خورشید نیـز هسـت (پرهـام، ۱۳۶۳، ۲۹۸). همچنین طرح سه‌ترنج و سـه‌کله، که در فرش بسیاری از مناطق نیز قابل مشاهده است، از تجلیات دیگر عدد سه است که نوع نام‌گذاری این طرح سبب تشدید تداعی عدد سه می‌شود.

عدد سه، که در فرش مصادیق و نمونه‌هایی دارد، از بـار معنایی غنی‌ای برخوردار اسـت. این عدد در معانی نمادین نمایندهٔ عقل بر نفس اسـت و همچنین بر پیوند و انتقال میان زمین و آسـمان نیز دلالت دارد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰، ۲۹). عدد سـه در بسیاری از فرهنگ‌ها و ملت‌ها دارای مفاهیم متعددی اسـت که عموماً بر معانـی مقدس دلالت دارد. تقدس این عدد به ویژه سرشـت عرفانی آن به فرهنگ‌های نخستین بازمی‌گردد، زیرا در این دوران چنین می‌پنداشـتند که سه رشتهٔ پایانی اعداد است. بدین جهت برای این عدد احترام خاصی قائل بودند و می‌پنداشته‌اند که این عدد بیانگر کلیات مطلق است (کاسیرر، ۱۳۷۸، ۱۰۰).

در ادیان پیش از اسلام این عدد از تقدس بسیاری داشت. به گونه‌ای که در دین زرتشت سه مبین صلاح، کمال و اتمام اسـت. از سـویی دیگر یـادآور تثلیث اهورامزدا، سـپند مینو و انگره مینو و هم‌چنین ارکان اصلی این دین یعنی پندار، گفتار و کردار نیک اسـت. بدین سـبب در این دین، عدد سـه تداعی‌گر مفاهیم منـزه و پاکی اسـت که بر اصـول و معیارهای دینی استوار شده است. علاوه بر زرتشت، عدد سه در سایر کیش‌های غیراسلامی نیز مقدس شمارده می‌شود. مثلاً، در مانویت این عدد برابر کامیابی دانسته شده و به این تعداد، راه دستیابی به سـعادت ابدی را برای مریدان خود قرار داده اسـت و هم‌چنین سه وجه نور، قدرت و خرد برای خدا قائل شده است (ویدن گرن، ۱۳۸۷، ٦٤). به عبارت دیگر در این آیین سـه نیز از جایگاه والایی برخوردار اسـت و بر مصادیق منزهی دلالت دارد. این عدد در اسـاطیر ایرانی مفهومی یکسان دارد و از نمونه‌های مورد احترامی برخوردار اسـت. طبق روایات اسـاطیری، قصر جم سـه در داشته است که

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

ایمان، راستین و فروتنی نامیده می‌شدند. هم‌چنین فره جم از سه سویه ریاست، پهلوانی و دین برخوردار است که پس از کشته شدن جمشید این فره بین سه پهلوان اسطوره‌ای ایران پخش شد [3] (بهار، ۱۳۵۲، ۲۷۲).

با ظهور و ورود اسلام به سرزمین ایران برخی از رسوم حذف شد و برخی دیگر با دین نوظهور تطبیق یافت و همچنان از آن‌ها استفاده می‌شد. اعتقاد به جایگاه نمادین اعداد از جمله مواردی است که نه تنها حذف نشد، بلکه با تغییراتی تدریجی با دین جدید تطبیق یافت و در فرهنگ اسلامی با رنگ و بویی دیگر جاری شد. عدد سه در فرهنگ اسلامی بازتاب گسترده‌ای دارد و یادآور نمونه‌های عینی بسیاری همانند شهادتین و روزه‌های سکوت است که همگی در قرآن انعکاس یافته است. عرفان اسلامی زندگی آدمی را و همچنین آیین جوانمردی و فتوت را به سه بخش تقسیم می‌کند [4] (کربن، ۱۳۸۵، ۲۰).

لذا، با توجه به آنچه آورده شد، عدد سه از مفاهیم و معانی مقدسی برخوردار است که بروز آن طی ادوار گوناگون سبب تشدید معانی و جایگاه قدسی آن شده است. بدین دلیل این عدد ریشه‌ای غنی در فرهنگ مردم این سرزمین دارد که موجب خلق نقوشی بر مبنای این عدد در فرش شده است.

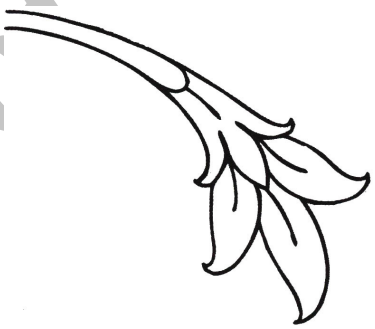

تصویر ۴. تداعی عدد سه در دو نگاره دسته گل و غنچه فرش (منبع: نگارندگان)

• چهار

از دیگر اعداد رسوخ‌یافته در فرش دستباف عدد چهار است که همانند اعداد پیشین در قالب آرایه‌ها و طرح‌های متنوعی تجلی یافته است. از جمله تجلی این عدد در آرایه‌های فرش گل پروانه‌ای و گل گِرد چهارپر است که کمتر فرشی را می‌توان عاری از این نقوش یافت. علاوه بر این، نگارهٔ دیگری موسوم به چهارپاره را، که ریشه در مفاهیم مهر و ناهید دارد، می‌توان تجلی دیگر این عدد در نقوش فرش دانست که در فرش‌های مناطق گوناگون به خصوص فارس مشاهده می‌شود (موسوی‌لر و رسولی، ۱۳۸۹، ۱۲۷). علاوه بر این نگاره‌ها، حضور چهار لچک در فرش‌هایی با طرح لچک و ترنج و همچنین تقسیم چهارگانهٔ فرش‌هایی با طرح گلستان را توسط نهری چهارسویه می‌توان نمودگاری دیگر از عدد چهار در فرش ایرانی به شمار آورد. همچنین طرح چهار ترنج در فرش‌های مناطق گوناگون همانند سیستان و بلوچستان و خراسان نمونهٔ دیگری از این عدد در فرش مناطق به شمار می‌آید. همچنین آرایهٔ چهارترنج را، که در قالی‌های مناطق گوناگون به خصوص

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

جوشقان قابل مشاهده است، می‌توان تجلی دیگر این عدد در طرح‌های هندسی فرش ایرانی به شمار آورد.

عدد چهار همانند عمـــوم اعداد مفاهیم نمادین و ثابتی دارد که طی ادوار گوناگون از آن اســـتفاده شده است. این عدد به طور عمومی بر معانی تمامیت، عدل، اتحاد، یکپارچگی و عقل اشـــاره دارد (کوپر، ۱۳۸٦، ۲۷). این عـــدد نمونه‌ای اعلا در میـــان اعداد مقدس پنداشته می‌شـــود. دلیل چنین ادعایی آن است که در عدد چهار رابطهٔ میان هر واقعیت خاص با فرم اساسی کیهان بیان شده است و هر چیزی که سازمان چهارگانهٔ شهودی داشـــته باشـــد، با مناطقی از فضا، پیوندهای جادویی و باطنی در ارتباط اســـت (آقاشریف، ۱۳۸۳، ۱۰۵). این عدد در ادوار پیش از ظهور اســـلام مقدس شمرده می‌شده و تداعی‌کنندهٔ مصادیقی همانند چهار جهت اصلی و عناصر اربعه بوده اســـت. همچنین در ایران دورهٔ هخامنشـــی گمان بر آن بوده است که دورهٔ آفرینش به چهار مرحله تقســـیم می‌شده است که هر یک سه هزار ســـال به طول می‌انجامیده و در هر یک اتفاقی فرخنده نظیر ظهور زرتشت یا سوشیانت منجی دین زرتشـــت رخ می‌دهد (ممتحن و خزاعی، ۱۳۹۰، ۱۷۷).

چهار در فرهنگ اســـلامی نیز از جایگاه مشابهی برخوردار اســـت. در این دین عدد چهار نماد تناسب اســـت که چهار بخـــش واحد دنیا کـــه عبارت‌اند از آفریننده، روح عالم، جان عالم و ماده اولیه را شـــامل می‌شود (شـــیمل، ۱۳۸۸، ۱۰٦). اخوان‌الصفا معتقدند امور طبیعی را خداوند به عمد بر بنیان چهارگانه استوار کرده اســـت. آنان در رسائل خود چنین نگاشته‌اند که امـــور طبیعی به عنایت و حکمت پـــروردگار بر بنیان چهارگانه اســـتوار شـــده است که اشـــاره به مراتب روحانی چهارگانه و ورای طبیعت دارد. نخستین این مراتب خالق جهانیان، در مرتبهٔ نزولی عقل کلی، پس از آن نفس کلی و در پایین‌ترین مرتبهٔ هیولی نخستین جای دارد (حلبی، ۱۳۸۰، ۱٦۵).

این عدد در ســـنت متصوفه مبین تعداد عناصر و شـــمار درهایی است که ســـالکان راه طریقت باید از آن‌ها گذر کنند. هر یـــک از این درها به یکی از چهار عناصر اصلی وابسته است، بدین ترتیب که در نخست شـــریعت است و ســـالک که در گام نخست است با عنصر باد در ارتباط اســـت. این سالک در گام دوم، که در آســـتانهٔ ورود به عرفان اســـت، با آتش برابر است و بدین معناست که ســـالک از خامی درآمده و پخته خواهد شـــد. در گام نهایی ســـالک با رسیدن به مقام حقیقت با غلیظ‌ترین عنصر اربعه یعنی خاک در ارتباط اســـت و او را عاشق می‌خوانند (شـــوالیه و گرابران، ۱۳۸٤، ۵۵۸).

تصویر ۵. کاربرد ترنج چهارپر در مرکز ترنج، فرش خوی (منبع: هانیه سرداری)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

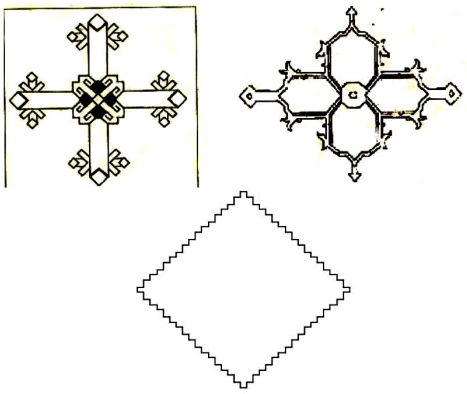

تصویر ۶. تداعی عدد چهار در نگاره‌های فرش
(منبع: بصام و همکاران ج، ۱۳۸۳، ۲۵)

• پنج

از تجلیات دیگر عددی که طرح‌ها و آرایه‌های متنوعی بر پایهٔ آن خلق و در فرش مورد استفاده قرار گرفته، عدد پنج است. رایج‌ترین نگاره بر پایهٔ این عدد گل پنج‌پر است که نوعی گل گِرد حساب می‌شود و در اسپیرال‌ها و گردش ختایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دیگر تجلیات عدد پنج حضور این تعداد حاشیه در برخی از فرش‌های معاصر است که قدیمی‌ترین نمونهٔ این تعداد حاشیه را می‌توان در قالی مکشوفه از پازیریک مشاهده کرد. افزون بر موارد فوق، فرش‌هایی با طرح لچک و ترنج تجلی دیگر این عدد در قالی ایران است. در این طرح، پنج عنصر بصری بزرگ و قابل توجه وجود دارد، که چهار لچک در قالی ایرانی عموماً یکسان و یک شکل است. در چنین فرش‌هایی، پنجمین عنصر بصری که در مرکز قرار دارد و ترنج فرش است در اشکال گوناگون ترسیم می‌شود.

عدد پنج در فرهنگ ایرانی از معنا و مفهوم نمادین ورای ظاهر عددی خویش برخوردار است. این عدد مفاهیمی همانند مرکزیت، هماهنگی و توازن دلالت دارد (نورآقایی، ۱۳۸۷، ٦٤). این عدد نخستین عدد مدور است که بیانگر عالم کبیر بشری و تجلی‌گر بی‌کرانگی وجود، قدرت و کمال دایره است. این عدد همانند دایره بر مرکز و نقطهٔ تلاقی آسمان و زمین اشاره دارد و نشان‌دهندهٔ مرکز چهار جهت اصلی است. ستارهٔ پنج‌پر، که تجلی این عدد در فرهنگ اسلامی است، همانند دایره نماد کلیت و نقطهٔ تلاقی آسمان زمین و عناصر پنج‌گانه است. زمانی که رأس این ستاره به سمت بالا باشد بر فردیت تام و تعلیم اشاره دارد (کوپر، ۱۳۸٦، ۲۸).

در فرهنگ اسلامی پنج عددی مبارک پنداشته می‌شود و نمادی از مراقبه، دین و تعلیم است که از مصادیق عینی نیز برخوردار است. در دین اسلام پنج با نقش‌مایهٔ دست انسان برابر دانسته می‌شود. دست انسان در فرهنگ اسلامی نمادی از دست حضرت فاطمه و در مواردی پنج‌تن آل عباست. از این رو نمادی مورد احترام و مقدس پنداشته می‌شود (شیمل، ۱۳۸۸، ۱۳۷). همچنین در فرهنگ اسلامی عدد پنج مبین مصادیقی نظیر حضرات خمسه[٦]، پنج ستون دین و نمازهای پنج‌گانه است.

تصویر ۷. قالی پنج‌ترجی، قالی نی‌ریز (منبع: بصام و همکاران الف، ۱۳۸۳، ۸۷)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

تصویر ۸. گل پنج‌پر و دست (منبع: نگارندگان)

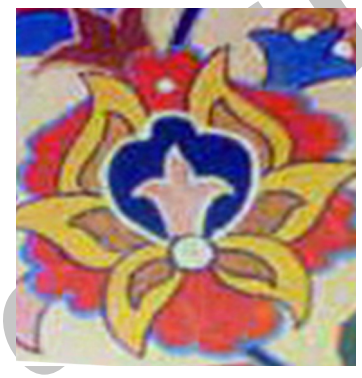

تصویر ۹. گل شاه‌عباسی شش‌پر (منبع: پوپ، ۱۳۸۷، ۱۱۸۵ و نگارندگان)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

• شش

این عدد در فرش با کاربردی محدود در مقایسه با سایر اعداد در قالی ایرانی رسوخ یافته است. رایج‌ترین نگاره مبتنی بر این عدد در فرش، گل شاه‌عباسی با شش گلبرگ است که از دوران صفوی تاکنون نیز کاربرد داشته و در عموم فرش‌های ایرانی، اعم از هندسی یا گردان قابل مشاهده است. علاوه بر این نگاره، نقش‌مایه‌ای موسوم به شش‌پیچ روی فرش ایرانی کاربرد دارد. برخی از نقوش هندسی مناطق گوناگون بافندگی همانند ترکمن نگاره‌های هندسی و شش‌ضلعی خلق می‌کنند و در دستبافته‌هایشان مورد استفاده قرار می‌دهند.

علاوه بر نگارهٔ مذکور، طرح‌های شش‌ترنج که در برخی مناطق بافندگی وجود دارد را می‌توان کاربرد عدد شش دانست. این عدد در فرش‌های خراسان در طرح‌هایی نظیر شش‌ترنج به نمایش گذارده شود.

این عدد نمادی از سرنوشت، وحدت اضداد و کمال معنوی است (شوالیه و گرابران، ۱۳۸٤، ۵۷). عدد شش در دین زرتشت مقدس به شمار می‌آید، زیرا این عدد یادآور امشاسپندان[۷] در این دین است (شیمل، ۱۳۸۸، ۱۳۷).

این عدد در فرهنگ اسلامی به سبب تداعی و برابری با صور هندسی‌اش یعنی مکعب از کاربرد نمادین برخوردار است. این صور هندسی در آثار هنری مبین نقش کعبه و قبله‌گاه مسلمانان است (نورآقایی، ۱۳۸۷، ۷٦). عدد شش در سنت زاهدانه

www.SID.ir

به ستارهٔ شش‌پر اشاره دارد که از قرارگیری دو مثلث بر روی یکدیگر به وجود می‌آید و یک رأس آن به پایین و رأس دیگر آن به بالا اشاره دارد. بدین ترتیب این شکل نماد نخستین مقام و مرتبهٔ سلوک و همچنین نازل‌ترین درجهٔ آدمی است که همیشه در این مراحل غوطه‌ور است. از این رو عدد شش که صور عددی ستارهٔ شش‌پر است برای زاهدان و عارفان احترام و ارزش دارد (کیانمهر و خزایی، ۱۳۸۵، ۳٤).

تصویر ۱۰. فرش شش‌ترنج کرمانشاه (منبع: بصام و همکاران ب، ۱۳۸۳، ۶۴)

• **هفت**

هفت از اعداد پرکاربرد و اساطیری است که در فرهنگ، رسوم و اعتقادات جامعه ریشه‌ای غنی دارد و در هنرهای اسلامی گوناگون نظیر معرق چوب و معماری اسلامی تجلی یافته است.

این عدد در نقش‌مایه‌ها و طرح‌های گوناگون به شکل نهان و آشکار بروز کرده و با اساطیر و فرهنگ ایرانی ارتباط یافته است. وجود هفت حاشیه در فرش ایران، علاوه بر تجلیات عددی، با اساطیر و روایات دینی از پردیس ایرانی پیوندی ناگسستنی دارد.[۸] البته به سبب کاهش ابعاد فرش‌های معاصر، این تعداد به سه یا پنج حاشیه کاهش یافته است.

علاوه بر این، طرح‌های گوناگونی در مناطق بافندگی بر پایهٔ عدد هفت رواج یافته است. در این میان می‌توان به طرح‌هایی نظیر ماهی هفت متن خوی، بیرجند و سنندج و همچنین هفت حوض هریس اشاره داشت که با تفکیک رنگ‌ها موجب تداعی عدد هفت می‌شود.

این عدد در مفاهیم نمادین به عنوان تعالی فراتر از کمال و جامع جمیع اعداد شناخته می‌شود. بدین ترتیب عدد شش معنای تام دارد، هنگامی که عدد یک، که اصل تمام اعداد است، با آن جمع می‌شود هفت، عددی کامل و فراتر از تام حاصل می‌شود (شریف محلاتی، ۱۳۳۷، ۱۳).

این عدد از مصادیق بسیاری در اساطیر و فرهنگ ایرانی پیش از اسلامی برخوردار است و تمامی این نمونه‌ها بر تعالی و بر معنای فراتر از تمام این عدد دلالت دارد. در قواعد دین زرتشت، تعداد شش‌گانهٔ فرشتگان بزرگ امشاسپندان به همراه اهورامزدا هفتمین حلقه از حلقه‌های هفت‌گانهٔ امشاسپندان را تشکیل می‌دهد که مورد تقدس واقع شده است. این بیان هفت‌گانه و همچنین معنای تکامل آن در آیین میتراییسم به گونه‌ای دیگر و در قالب مراحل تشرف

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

سالک حضور می‌یابد. زیرا سالک در ابتدا و بدو تشرف به این آیین، با گذراندن هفت مرحله که در هر مرحله قاعده‌ای مورد توجه قرار داده می‌شود تا سلوک کامل می‌رسد. در این مرحله، که واپسین گام در آیین مهر است، سالک به درجهٔ پیر مشرف می‌شود [۹] (والی، ۱۳۷۹، ۱۷۱).

تقدس و مفاهیم نمادین این عدد همانند بسیاری از آداب و رسوم پیش از اسلام با تغییر و تحولات تدریجی به دورهٔ اسلامی انتقال و در فرهنگ عمومی این دوره رواج می‌یابد. در این دین عدد هفت همچنان جایگاه بلند و رفیعی دارد و به کمال، امنیت، آرامش و نمودی از مفاهیم والای عرفانی اشاره دارد (بلخاری قهی، ۱۳۹۰، ۳۸۰). همچنین طبق اشارات قرآن، آسمان بر هفت بنیان استوار شده است.[۱۰] در سورهٔ دیگر[۱۱] از این کتاب مقدس خلقت جهان شش روز به طول انجامیده که بر اساس این آیه، هفتمین روز به کمال و اتمام آفرینش اختصاص یافته است (فرضی‌پور، ۱۳۹۰، ۱۶۲). افزون بر موارد مذکور، مصادیق هفت‌گانهٔ دیگری همانند هفت صفت پروردگان و طواف در دین اسلامی وجود دارد.

عدد هفت در عرفان اسلامی و تصوف با قالبی مشترک ظهور یافته است و بر اتمام خامی و آغاز کمال دلالت دارد. در مراحل سلوک عارفانه، عارف با گذر از مراحل شش‌گانه،[۱۲] که هر یک بر بی‌تجربگی و خامی سالک دلالت دارد، در مرحلهٔ هفتم به درجه فقر و فنا مشرف می‌شود که نشان از وصال و دستیابی به هدف غایی عارف دارد (سجادی، ۱۳۸۵، ٤٨).

بدین ترتیب عدد هفت طی ادوار گوناگون معانی ثابتی داشته است. این مفهوم در عصرهای گوناگون از فرهنگ ثابتی نشئت می‌گیرد که با تغییر ادیان و حکومت‌ها نه تنها حذف نشده است، بلکه همچنان باقی مانده و به حیات خویش ادامه داده است. از این رو عدد هفت در زمان‌های متفاوت جایگاه ثابتی داشته و همواره به مفاهیمی چون کمال ورای تکامل اشاره دارد و هم‌اکنون در هنرهای بسیاری این عدد به شیوه‌های گوناگونی مورد کاربرد قرار گرفته است.

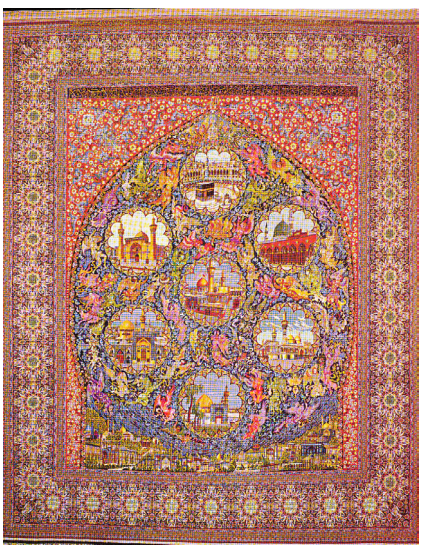

تصویر ۱۱. تجلی عدد هفت با به تصویر کشیدن هفت مکان مقدس، قالی اصفهان (منبع: بصام و همکاران ب، ۱۳۸۳، ۱۳۴)

تصویر ۱۲. کاربرد هفت حاشیه در قالی، قالی تبریز (منبع: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

• هشت

هشـــت از دیگر اعدادی اســـت که با بیانی نمادین و معنادار در طرح‌ها و آرایه‌های فرش ایرانی تجلی یافته است. رایج‌ترین و پرآوازه‌ترین آرایهٔ فرش، که بر مبنای این عدد خلق شده، گل هشت‌پر[۱۳] است. این نقش‌مایه از قدمتـــی دیرینه در فرش ایرانی برخوردار اســـت و نمونه‌هایی از این نقش در قالی پازیریک قابل مشاهده اســـت. البته نظرات گوناگونی پیرامون این نگاره ارائه شده اســـت که از این جمله دریایی (۱۳۸٦، ۱٤۰) در کتاب خود اذعان داشته که این نقش‌مایه از تحول گل نیلوفر پدید آمده است. همچنین پرهام (۱۳٦٤، ۱۰٤) معتقد است که این گل بر مفاهیم گوناگونی اشاره دارد، اما پردازش آن با دو رنگ مختلف نمایندهٔ تغییر فصل و وجه تمایز آن‌ها با یکدیگر است. اما اگر این نگاره از سویه مفاهیم نمادین عددی مورد توجه قرار می‌گیرد، معنایی متفاوت از آنچه تاکنون آورده شد، می‌یابد.

علاوه بر نگارهٔ مذکور می‌توان به بتهٔ هشت‌پر اشاره داشت که بر روی قالی‌های مناطقی همانند کردستان و سنندج مشـــاهده می‌شود. این نگاره که از مشتقات بته به شـــمار می‌آید، علاوه بر مناطق مذکور، در برخی از مناطق بافت نیز مورد اســـتفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، نگاره‌های هندسی هشت‌ضلعی نظیر آخال را در فرش‌های ترکمن می‌توان تجلی دیگر این عدد بر رخ فرش در مناطق بافندگی متأثر از طلسم به شمار آورد.

علاوه بـــر نقش‌مایهٔ مذکور، می‌توان به نگارهٔ ترنج هشت‌پر و هشت‌ضلعی اشاره داشت که در انتزاعی‌ترین و قدسی‌ترین نقطهٔ فرش ظهور می‌یابد که قرارگیری در مرکزیت این نقش سبب تشدید مفاهیم عدد هشت در این نقطه عرفانی می‌شود. همچنین تقسیمات هشت‌گانه از تجلیات دیگر هشـــت در فرش ایرانی است که در قالی‌های باغی جلوه‌گری می‌کند و به شکلی آشکار و نامحسوس به مفاهیم عددی هشت و همچنین به هشت بهشت اشاراتی دارد.

تصویر ۱۳. گل هشت‌پر در متن قالی پازیریک (منبع: نگارندگان)

این عدد، همانند اعدادی که پیش‌تر آورده شـــد، مفاهیـــم نمادینی دارد و در پـــس آن معانی گوناگونی ملهم از فرهنگ و آموزه‌های دینی گنجانده شده است. هشت در تمدن بابل، که تأثیر بسیاری بر فرهنگ ایرانی داشته است، مبین خدایان اســـت و اعتقاد بر آن بوده که خدایان در معابد هشت‌طبقه حضور دارند (شیمل، ۱۳۸۸، ۱۷۱). ایـــن عدد به طـــور عمومی دربردارندهٔ سعادت، رســـتاخیز، ایقاع کامل و بهشت است. عدد هشت به ســـبب آن‌که نخستین عدد مرکب[۱٤] به شمار می‌آیـــد، مبین اتحاد در فرهنگ جهانی اســـت (کوپر، ۱۳۸٦، ۳۲). این عدد در باور میتراییســـم تداعی‌کنندهٔ مفاهیم مقدسی است. در این آیین روح هنگام عروج بـــه جهان معنوی از افلاک هفت‌گانـــه نیز می‌گذرد و در هـــر یک صفاتی را که موجب رنج و آلام بشـــری می‌شود، از دســـت می‌دهد تا پالایش کامل می‌یابد و در فلک هشـــتم به نور ابدی و سعادت جاودانه دست می‌یابد (اولانســـی، ۱۳۸۰، ۷۸). ایـــن اعتقاد در آیین مانوی صادق اســـت، زیرا در نگـــرش مانویت روح هنگام رجعت به دنیای ابدی به وســـیلهٔ تمثالی صعود می‌یابد و در این رجعت، به وســـیله وجوه هشت‌گانه نور پاک و منزه می‌شود (ویدن گرن، ۱۳۸۷، ۸٦).

Archive of SID

www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

در فرهنگ اسلامی عدد هشت با معانی مشابهی کاربرد دارد و در مواردی این عدد تداعی‌گر بهشت ابدی است. از این رو تقسیمات هشت‌گانه باغ‌های پادشاهی در دوران اسلامی به خصوص در دوران صفوی نمونه‌ای از این اعتقاد است. همچنین در روایاتی آمده که بهشت هشت و دوزخ هفت در دارد، زیرا اعتقاد بر آن است رحمت پروردگار بیشتر از غضبش نیز هست (شایگان، ۱۳۷۳، ۲۷۲). علاوه بر مفاهیم بهشت، عدد هشت مبین فرشتگان مقرب پروردگار و حاملان هشت‌گانهٔ عرش است که از آن در قرآن کریم سخن به میان آمده است.[۱۵] به عبارت دیگر عدد هشت در فرهنگ اسلامی مبین بهشت و مفاهیمی از این قبیل است و چنین اعتقادی دربارهٔ این عدد در شاخه‌های گوناگون هنرهای اسلامی نیز انعکاس یافته است.

تصویر ۱۴. تجلی عدد هشت در ترنج قالی عصر صفوی، جوشقان (منبع: پوپ، ۱۳۸۷، ۱۲۳۰)

تجزیه و تحلیل

با توجه با آنچه پیش‌تر آورده شد، می‌توان بیان کرد که بسیاری از نقش‌مایه‌ها و طرح‌ها در فرش ایران قابل مشاهده است که بر پایهٔ اعداد شکل گرفته‌اند. این شکل‌گیری مبتنی بر اعداد در برخی موارد چنان جلوه می‌شود که در نامگذاری بسیاری از این نقش‌مایه‌ها و طرح‌ها پیشوندهای عددی به آن‌ها منسوب می‌شود. آرایه‌هایی همانند چهارپاره، گل شش یا ترنج هشت‌پر یا طرح‌هایی همانند هفت متن نمونه‌هایی از این نوع نامگذاری نیز هستند. این نقش‌مایه‌ها و طرح‌ها کاربردی محوری در فرش دارد و این امر سبب تشدید تداعی اعداد گوناگون در فرش ایران می‌شود.

با توجه به صفحات گذشته، مشاهده می‌شود بیان نمادین اعداد در ادوار و قرون گذشته کاربرد داشته است و ریشهٔ آن از عقاید انسان‌های بدوی به نیروهای جادویی همانند طلسم و توتم نشئت می‌گیرد. بیان نمادین اعداد در دوره‌های گوناگون با بیانی ثبات بر مصادیقی متفاوت صدق می‌کرده است. این نمونه‌های خارجی علاوه بر آن‌که بنا بر مفاهیم عددی شکل می‌گرفتند، نوع این نمونه‌های خارجی سبب تشدید تداعی مفاهیم عددی می‌شده است.

از این رو کاربرد اعداد در هنرهای گوناگونی نظیر معرق، معماری و ادبیات نیز به چشم می‌خورد. حال با توجه به این‌که فرش ایرانی تابلویی برای بیان آرزوها و آمال بافنده و طراح به شمار می‌آید، بروز و کاربرد کیفی اعداد خالی از انتظار نبوده و در مواردی بروز این اتفاق امری محتمل است.

با توجه به آنچه دربارهٔ نقوش مبتنی بر اعداد در متن مقاله آورده شد، می‌توان چنین اظهار داشت که معانی اعداد در شکل‌گیری نقوش یا طرح‌ها بی‌تأثیر نبوده و در برخی این سویه کیفی اعداد و مفاهیم آن مورد توجه قرار گرفته است. در این میان می‌توان به نگارهٔ مثلث یا طرح سه‌ترنج اشاره کرد که به صورت

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

آشـــکاری مبین مفاهیم عددی سه است. زیرا عدد سه مبین تثلیث سه‌گانه در ادوارد گوناگون همانند زرتشت و دو دستیارش در پیش از اسلام و تثلیث اسلامی یعنی پروردگار، حضرت محمد (ص) و علی (ع) است. از این رو چنین ســه‌گانه‌هایی با نحوهٔ ترسیم آرایه‌های فرش صادق است، زیرا عموماً نحوهٔ ترسیم این نقوش و طرح‌ها عموماً به گونه‌ای اســت که نقش‌مایهٔ میانی مورد توجه قرار گیرد، حال آن‌که این توجه به وســیله بزرگ‌نمایی نقوش یا اختلاف رنگ با دو نگارهٔ دیگری رخ می‌دهد. بدین صورت عدد ســه، تثلیث سه‌گانه و صور هندسی آن یعنی مثلث نیز در فرش تجلی می‌یابد.

از ســویی دیگر عدد پنج، که بــر مفاهیم کثرت در وحدت و مرکزیــت آن دلالت دارد و مبین تلاقی آسمان و زمین اســت، در فرش‌هایی با طرح لچک و ترنج به عنوان پنجمیــن عنصر بصری مورد توجه در فرش یعنی لچک و ترنج معنا می‌یابد. لازم به توضیح است که طبق بررسی‌های انجام شده ترنج انتزاعی‌ترین نقطه در قالی ایرانی است که بر مفاهیم عرفانی وحدت در کثرت اشــاره دارد. از این رو ترنج قالی را می‌توان تجلی و تداعی‌گر مفاهیــم و معانی عدد نمادین پنج دانست که بر مفاهیم مرکزیت صحه می‌گذارد.

علاوه بر این اعداد دیگری همانند هفت و هشت، چنان که پیش‌تر گفته شــد، در طــرح و نقش فرش ایرانی نیز حضــور دارد. مثلاً عدد هفت مبین کمال و تکامل است و بر مصادیقی نظیر مراحل سلوک، سالک در میتراییســم و عرفان اسلامی دلالت دارد. همچنین در طرح‌هایــی همانند فرش‌هــای ماهی هفت متن یا هفت حوض مشــاهده می‌شود که هر بخش از متن به رنگی مجزا تقسیم و در نهایت در مرکز فرش به رنگی واحد تبدیل می‌شود. از این رو وجود چنین طرح‌هایی را بــا این گونه رنگ‌بندی می‌توان تجلی عدد هفت و تکامل آن بیان کرد که در نهایت رنگی واحد حکمفرما می‌شــود. این گونه طرح‌ها را می‌توان تداعی مصادیق عینــی این عدد همچون مراحل گذر ســالک یا تعدد معنادار امشاسپندان به شمار آورد.

همچنیــن در مورد عدد هشــت می‌تــوان چنین ارتباطــی میان نقوش و عدد یافت، زیرا هشــت برابر بهشــت اســت و این عقیده در هنرهــای گوناگونی انعکاس یافته اســت. نمونهٔ این انعــکاس در هنر را می‌توان نقش هشت‌ضلعی بیان کرد که از قرارگیری دو مربع بر یکدیگر ایجاد می‌شود و در هنرهای گوناگونی به عنوان بهشــت و تجلی‌گاه بهشت به شمار می‌آید (نورآقایی، ۱۳۸۷، ۸۵). از این رو ترنج هشت‌پر یا بتهٔ هشــت‌پر از نظر هندسی با هشت‌ضلعی صادق است. بدین شــکل تداعی‌کننده صور هندسی عدد هشت و معنای نمادین آن یعنی بهشــت است. با توجه با آنچه تاکنون آورده شــد و ســویه نمادگرایی قالی ایرانی، حضور اعداد در قالــی ایرانی را می‌توان امری بدیهی تلقی کرد که به دنبال تأثیــر هنرمند طراح و بافنده از فرهنگ و ســنن جامعه خویش، در پی تلاشی آگاهانه یــا ناآگاهانه در صدد بروز افــکار و عقاید خویش بر آمده و بدین شکل ســبب خلق نقوش گوناگونی در فرش ایرانی شده اســت. در پی تلاش این هنرمندان، کاربرد کیفی اعداد، که از دیرباز تاکنون نیز مورد توجه قرار گرفته اســت، امری بدیهی اســت که از افکار و عقاید هنرمند نشــئت می‌گیرد و به شکل نقشی مبتنی بر اعداد گوناگون بر تار و پود فرش نقش می‌بندد. این نقوش با آن‌که از قالب عدد خارج می‌شوند و در فرمی هندســی ظاهر می‌شوند همچنان از سویه کیفی اعداد برخوردارند و در مواردی نظاره‌گرِ فرش را به شکلی ناخودآگاه به این مفاهیم ســوق می‌دهند. این نقوش علی‌رغم آن‌که در سال‌های اخیر سویه تزئینی بسیاری یافته اســت، اما این آرایه‌ها همچنان دارای مفاهیم و معانی نهفته کیفی اعداد برخوردار می‌باشد.

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

جدول ۱. سویه کیفی اعداد و مصادیق آن در فرش دستباف

ردیف	عدد کاربردی در فرش	مفاهیم نمادین	نمونه تصویر	
۱	یک	وحدت، ذات مطلق و مرکزیت	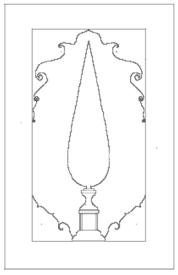	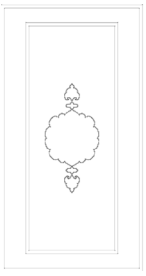
			قالی محرابی درختی	قالی ترنجی
			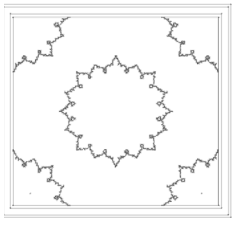	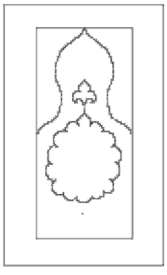
			قالی شیخ صفی	قالی محرابی
۲	سه	کلیت مطلق و تثلیث مقدس	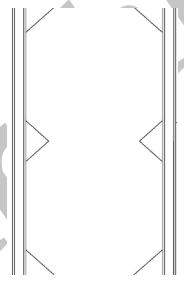	
			قالی سیستان	نگارهٔ غنچه
			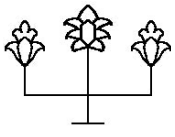	
			نگارهٔ بوتهٔ سه‌گل	قالی سه‌ترنج

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

ادامه جدول ۱. سویه کیفی اعداد و مصادیق آن در فرش دستباف

ردیف	عدد کاربردی در فرش	مفاهیم نمادین	نمونه تصویر	
۳	چهار	عدل، اتحاد و عناصر اربعه	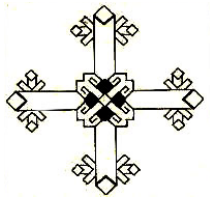	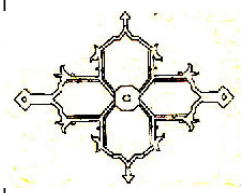
			سواستیکا	ترنج چهار حوض
			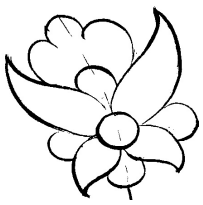	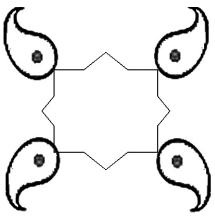
			نگارهٔ گل پروانه‌ای	نگارهٔ چهاربته
٤	پنج	مرکزیت، تجلی‌گر نقطهٔ زمین و آسمان		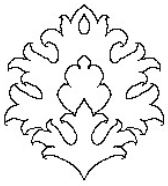
			نگارهٔ گل گِرد پنج‌پر	نگارهٔ گل پنج‌پر
			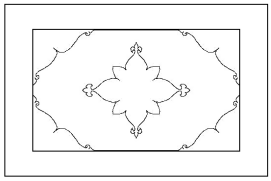	
			طرح لچک و ترنج	نگارهٔ غنچه

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

ادامه جدول ۱. سویه کیفی اعداد و مصادیق آن در فرش دستباف

ردیف	عدد کاربردی در فرش	مفاهیم نمادین	نمونه تصویر	
۵	شش	وحدت اضداد، سرنوشت و کمال معنوی	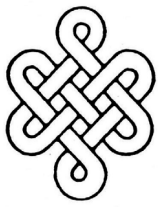	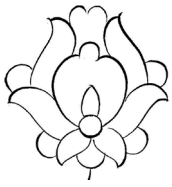
			نگارهٔ شش‌پیچ	نگارهٔ گل شاه‌عباسی
				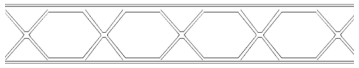
			نگارهٔ گل گِرد شش‌پر	طرح شش‌ترنجی
٦	هفت	تعالی فراتر از کمال و جامع‌الجمیع اعداد	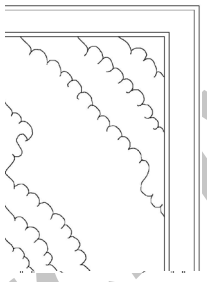	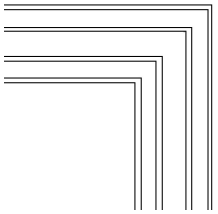
			طرح ماهی هفت متن خوی	هفت حاشیه قالی
			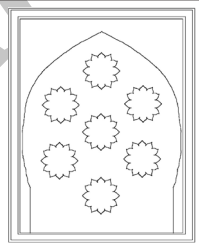	
			قالی هفت‌شهر عشق	نگارهٔ گل هفت‌پر

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID
www.SID.ir

ادامه جدول ۱. سویه کیفی اعداد و مصادیق آن در فرش دستباف

ردیف	عدد کاربردی در فرش	مفاهیم نمادین	نمونه تصویر	
۷	هشت	رستاخیز، سعادت و تجدد حیات		
			نگارهٔ گل هشت‌پر	نگارهٔ هشت‌پیچ
			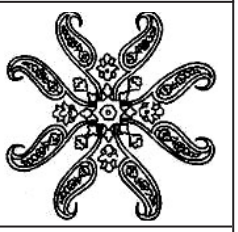	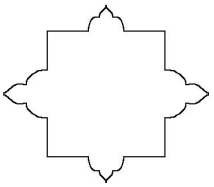
			نگارهٔ بتهٔ هشت‌پر	ترنج هشت‌پر

(منبع: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

اعداد در فرهنگ و مکاتب گوناگون از سویه کیفی، معنایی و گاه از قدرت جادویی برخوردار بوده است. این وجه نمادین طی ادوار گوناگون نه تنها حذف نشده است، بلکه همچنان با تغییراتی جزئی به حیات خود ادامه داده است و در بسیاری از ادوار علاوه بر مفاهیم منحصر به فرد عددی بر مصادیق مقدس و خوش‌یمنی دلالت دارد. بدین سبب می‌توان اعداد را مقوله‌ای دانست که با فرهنگ و عقاید افراد جامعه عجین شده که برخی از آن‌ها معیاری از طالع و برخی دیگر معیار نحسی است. از این رو کاربرد کیفی اعداد در فرش امری بدیهی است که از پیوند ناگسستنی افراد جامعه با مفاهیم نهانی اعداد نشئت می‌گیرد و در قالب آرایه‌ها و طرح‌های موجود بر رخ فرش نقش می‌بندد.

خلق نقوش و طرح‌های گوناگون در فرش ایرانی را می‌توان نتیجهٔ ابراز عقاید و افکار هنرمندان طراح و بافنده‌ای دانست که سراسر از محیط خویش تأثیر می‌گیرند و به شکلی آگاهانه یا غیرعمدی این تأثیرات را در قالب نقوش خلق می‌کنند و آن را بر تار و پود فرش می‌نشانند. این شکل‌گیری مبتنی بر اعداد گوناگون سبب انعکاس معانی نمادین اعداد در فرش می‌شود و بدین شکل علاوه بر انتقال این مفاهیم به بینندهٔ قالی، سبب تعالی بار معنایی در این هنر نمادین یعنی فرش می‌شود. حضور این اعداد در فرش گاه چنان پررنگ جلوه می‌نماید که نقوش و طرح‌های فرش بر مبنای قالب عددی‌شان مورد لفظ قرار می‌گیرند.

نتایج حاصل از بررسی در این مقاله نشان می‌دهد که اعداد خاصی عموماً در فرش کاربرد داشته و قالب

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017

این اعداد بر مفاهیم نیک سرشت و مقدسی همانند اتحاد، کمال معنوی، رستاخیز و بهشت موعود اشاره دارد. از این سو کاربرد اعداد در فرش ایرانی را می‌توان متأثر از مفاهیم این اعداد در جامعه دانست.

با توجه به آنچه آورده شد، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که کاربرد اعداد در فرش امری آگاهانه و غیرعمدی است که در پی تأثیر هنرمند از فرهنگ حاکم بر جامعه و همچنین ابراز عقاید خود شکل گرفته و در قالب طرح‌ها و آرایه‌ها متنوعی بر مبنای عدد نقش بسته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. و احصی کل شی عدداً. (جن (۷۲): ۲۸)

۲. اخوان‌الصفا فرقه‌ای بصره‌ای است که رساله‌های جامعی را به تحریر درآوردند. هدف اصلی این فرقه، چنان که از فحوای کلامشان بر می‌آید، اصلاح فکری جامعه به ویژه در حوزه عقلانیت دینی بوده است. برخی از اخوان‌پژوهان معتقدند این فرقه از عصر خویش پیش‌تر بوده‌اند (عسکری و ذهبی، ۱۳۹۰، ۳).

۳. در اساطیر ایرانی فره سه بخش ریاست بر حکومت، پهلوانی و دین دارد که فره طی سه مرحله از جمشید می‌گریزد و فره دین به مهر، ریاست بر فریدون و پهلوانی بر گرشاسب منتقل می‌شود (بهار، ۱۳۵۲، ۱۳۲).

٤. عرفا سه بخش برای آیین فتوت قائل‌اند. نخستین حضرت ابراهیم، دومین حضرت علی (ع) و بخش نهایی را به حضرت امام زمان منسوب می‌کنند.

۵. هیولی بر چهار بخش مادهٔ صناعت، مادهٔ طبیعت، مادهٔ کل و مادهٔ اولیه است (خمسه و طاووسی، ۱۳۸۸، ۱۰۰).

٦. حضرات خمسه یعنی تجلی و مظاهر حق در مقامات مختلف و عبارت‌اند از حضرت غیب مطلق، جبروتیه، حضرت ملکوتیه، حضرت شهادت و حضرت جامعه.

۷. امشاسپند در اوستا به معنای جاودان مقدس و در اصطلاح بزرگ‌ترین فرشتگان این دین به شمار می‌آید. معنی دیگر این واژه امشاسپندان افزونی بی‌مرگ است (یاحقی، ۱۳۸٦، ۱۰۵).

۸. تجسم فردوس در روایات دینی چنین آمده است که چشمه‌ای بزرگ در میان این فردوس جریان دارد. این باغ‌ها به طور عمد از هفت دیوار تشکیل شده که یکی از همه بزرگ‌تر، استوارتر، پهن‌تر و مرتفع‌تر ساخته شده است (حصوری، ۱۳۸۱، ۲٤).

۹. هفت درجهٔ میترایی هر یک از نمودگاری نمادین برخوردار است و عبارت است از کلاغ، سرباز، شیر، پارسی، پیک خورشید و پیر.

۱۰. (المومنون (۲۳): ۸٦)

۱۱. (سجده (۳۲): ٤)

۱۲. شش مرحلهٔ نخست در تصوف اسلامی عبارت از مراحل وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید و حیرت است. در هر یک از این مراحل صفت پست آدمی مورد توجه قرار می‌گیرد و سالک با گذراندن مراحلی در پی حذف آن‌ها برمی‌آید (سجادی، ۱۳۸۵، ٤۸).

۱۳. گل هشت‌پر را در فارس گره سرنوشت و در خنگشت به دلیل مقطع عرضی آن نارنج گویند.

۱٤. عدد هشت نخستین عددی است که از حاصل‌ضرب سه‌مرتبه‌ای یا مکعبی عدد دو در خودش حاصل می‌شود (نورآقایی، ۱۳۸۷، ۸٦).

۱۵. در آن روز، عرش پروردگار را هشت ملک در بر می‌گیرند (الحاقه (٦۹): ۱۷).

فهرست منابع

– *قرآن کریم*، (۱۳۹۰)، ترجمهٔ مهدی الهی قمشه‌ای، قم: کاتبان وحی.

– اردلان، نادر و بختیار، لاله، (۱۳۹۰)، *حس وحدت*، ترجمهٔ ونداد جلیلی، تهران: علم رویال.

– استیرلن، هانری، (۱۳۷۷)، *اصفهان تصویر بهشت*، ترجمهٔ جمشید ارجمند، تهران: فرزان.

– آقاشریف، احمد، (۱۳۸۳)، *اسرار و رموز اعداد و حروف*، تهران: شهید سعید محبی.

– اولانسی، دیوید، (۱۳۸۰)، *پژوهشی نو در منشأ میتراپرستی*، ترجمهٔ مریم امینی، تهران: چشمه.

– بصام، سید جلال‌الدین و همکاران، (۱۳۸۳)، *رؤیای بهشت هنر قالیبافی ایران*، جلد اول، تهران: سازمان اتکا.

– بلخاری قهی، حسن، (۱۳۹۰)، *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*، چاپ دوم، تهران: سورهٔ مهر.

– بمانیان، محمدرضا و صفایی‌پور، هادی، (۱۳۹۱)، «بررسی نقش کمی و کیفی اعداد در معماری اسلامی»، ماهنامه *کتاب ماه هنر*، شمارهٔ ۱٦۸.

– بهار، مهرداد، (۱۳۵۲)، *اساطیر ایران*، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۵

Archive of SID

www.SID.ir

– پرهام، سیروس، (۱۳٦٤)، *دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس*، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
– پوپ، آرتور آپهام و فیلیس آکرمن، (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران*، ترجمهٔ نجف دریابندری و دیگران، ویرایش زیر نظر سیروس پرهام، جلد دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
– جعفری نایینی، علیرضا، (۱۳۸۵)، *مدخل اعداد و ارقام*، *دائره‌المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد نهم، تهران: دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.
– چیت‌سازیان، امیرحسین، (۱۳۸۵)، «نمادگرایی و تأثیر آن در فرش»، تهران، فصلنامه عملی پژوهشی *گلجام*، شماره ٤ و ٥.
– حصوری، علی، (۱۳۸۹)، *مبانی طراحی سنتی در ایران*، چاپ سوم، تهران: چشمه.
– حلبی، علی‌اصغر، (۱۳۸۰)، *گزیدهٔ رسائل اخوان‌الصفا*، تهران: اساطیر.
– خزایی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، *شاخص اکمال در اعداد*، قم: عطر یاس.
– خلیقی، علی، (۱۳۸۲)، *قلم و قالی*، تهران: عابد.
– خمسه، فرزانه و طاووسی، محمود، (۱۳۸۸)، «راز و رمز اعداد در تزئینات مساجد»، نشریهٔ *هنرهای زیبا*، شماره ٤٠.
– داوودی‌پور، غلامرضا و دادبه، اصغر، (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل تمثیل‌های وحدت وجود و تجلی در شرح رباعیات جامی»، نشریهٔ *تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی*، شمارهٔ ١٤.
– دریایی، نازیلا، (۱۳۸٦)، *زیبایی‌شناسی در فرش دستباف ایران*، تهران: مرکز ملی فرش.
– رامین، علی و همکاران، (۱۳۸۹)، *دانشنامهٔ دانش‌گستر*، تهران: مؤسسهٔ دانش‌گستر روز.
– ری‌یس، ژولین، (۱۳۸۷)، *اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده*، ترجمهٔ جلال ستاری، چاپ سوم، تهران: مرکز.
– زمردی، حمیرا، (۱۳۷۹)، «تجلیات قدسی؛ تمهیدات عددی اسطوره؛ سمبل و نماد»، نشریهٔ *دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شمارهٔ ٤٤.
– سجادی، سید جعفر، (۱۳۸۹)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، چاپ هشتم، تهران: طهوری.
– سرلو، خوان ادواردو، (۱۳۸۹)، *فرهنگ نمادها*، ترجمهٔ مهرانگیز اوحدی، تهران: دستان.
– شایگان، داریوش، (۱۳۷۳)، *هانری کربن: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*، ترجمهٔ باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
– شریف محلاتی، مؤید، (۱۳۳۷)، *هفت در قلمرو فرهنگ جهان*، تهران: نقش جهان.
– شفق، اسماعیل و نیازی وحدت، علیرضا، (۱۳۸۸)، «اهمیت عدد سه با نگاهی به دیوان خاقانی»، نشریهٔ *پژوهش‌های ادبی*، شماره ۲۵.
– شوالیه، ژان و آلن گربران، (۱۳۸۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضائلی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: جیحون.
– شیمل، آنه‌ماری، (۱۳۸۸)، *راز اعداد*، ترجمهٔ فاطمه توفیقی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
– عسکری، سمانه و ذهبی، سید عباس، (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن در آثار اخوان الصفا»، تهران، نشریه *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال هفتم، شمارهٔ ۱۳.
– فرضی‌پور، داریوش، (۱۳۹۰)، *اساطیر ایران*، قم: بو کتاب.
– کاپلستون، فردریک، (۱۳٦۸)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، جلد اول، تهران: سروش و انتشارات علمی و فرهنگی.
– کاسیرر، ارنست، (۱۳۷۸)، *فلسفه صورت‌های سمبولیک*، ترجمهٔ یدالله موقن، تهران: هرمس.
– کربن، هانری، (۱۳۸۵)، *آیین جوانمردی*، ترجمهٔ احسان نراقی، چاپ دوم، تهران: سخن.
– کریستین سن، آرتور، (۱۳۷۰)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمهٔ رشید یاسمی، چاپ هفتم، تهران: دنیای کتاب.
– کوپر، جی. سی.، (۱۳۸٦)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمهٔ ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
– کیانمهر، قباد و خزایی، محمد، (۱۳۸۵)، «مفاهیم و بیان عددی در هنر گره چینی صفوی»، نشریهٔ *کتاب ماه هنر*، شمارهٔ ۹۱ و ۹۲.
– معین، محمد، (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
– ممتحن، مهدی و خزاعی، مجید، (۱۳۹۰)، «نگاره‌های نمادین اعداد در قرآن، اسطوره و ادبیات»، نشریه *مطالعات ادبیات تطبیقی*، شمارهٔ ۱۹.
– موسوی‌لر، اشرف‌السادات و رسولی، اعظم، (۱۳۸۹)، «بررسی نمودهای اساطیری خورشید و مهر در فرش دستباف ایران»، فصلنامهٔ علمی پژوهشی *گلجام*، شمارهٔ ١٦.
– نجیب اوغلو، گلرو، (۱۳۷۹)، *هندسه و تزئین در معماری اسلامی*، ترجمهٔ مهرداد بید هندی قیومی، تهران: روزنه.
– نصر، سید حسین، (١٣٤٢)، *نظر متفکران اسلامی دربارهٔ طبیعت*، تهران: دانشگاه تهران.

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017
Archive of SID
www.SID.ir

- نورآقایی، آرش، (۱۳۸۷)، *عدد، نماد، اسطوره*، تهران: افکار.
- والی، زهره، (۱۳۷۹)، *هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری*، تهران: اساطیری.
- ویدن گرن، گئو، (۱۳۸۷)، *مانی و تعلیمات او*، ترجمهٔ نزهت صفای اصفهانی، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸٦)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۷۷)، *انسان و سمبول‌هایش*، ترجمهٔ محمود سلطانیه، تهران: جامی.

Archive of SID

www.SID.ir

Downloaded from goljaam.icsa.ir at 15:17 +0330 on Tuesday September 26th 2017